



۲۰۱۴/۰۱/۰۸



انجنیر عبدالصبور صافی

توافقنامه امنیتی، اهداف و انکشاف اوضاع

استفاده خبراز: رادیو آزادی، بی بی سی و صدای امریکا

از زمان ورود قوای خارجی در سال ۲۰۰۱ تا اکنون مقامات دولتی و مفتخواران وابسته به آن که موجودیت خود را صرف در کمک و خیرات های خارجی می بینند و جز خوش خدمتی به باداران شان سنگ روی سنگ که نشان دهنده یک زیربنای مستحکم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی باشد نگذاشتند، ولی میلیارد ها دالر را حیف و میل کردند بدون آنکه ایجادگر یک تهدیدی که آیندگان ادامه دهنده آن شوند. به جز در ساحه ایجاد پولیس و اردوی اجیر که بیشتر شکل تنظیمی داشته و مجهز با سلاح های محدود میباشند، کار ارزشمندی که آینده را تضمین کند صورت نگرفت، ولی در حرف طرح های زیاد وجود دارد که به آن عمل نشده است، بدین ترتیب سیستم مافیایی را ایجاد و تحت حمایت قرار دادند که اکثریت ملت از آن خساره مند شد، مدیریت ضعیف، فساد، غصب زمین ها، اعمار شهرک های خودسر، تاراج معدن ها و بانک ها، و به گفته "سازمان دیده بان شفافیت" «اقتصاد افغانستان در تصرف زورمندان قرار گرفت، و این باعث شد که مردم عادی سالانه میلیاردها دالر متضرر شدند، بر اساس این گزارش تعدادی از وزیران کابینه، نمایندگان شورای ملی، والی ها، قوماندانان پولیس و معین های وزارت ها، سیستم اقتصادی کشور را قبضه کرده اند». بنیان گذاران این سیستم از آنچه خود کشت کردند اکنون احساس ترس دارند و مایه اساسی ترس از سال ۲۰۱۴ نیز همین سیستم ناکارا و عمل کرد آن است، پلانگذاری اساسی ترین وظیفه در بین وظایف اداری می باشد که سایر وظایف اداری، نوع سازماندهی، رهبری و نظارت را در بر میگیرد، همه افراد گروپ ها و ادارات باید برای فعالیت خود پلان کاری داشته و چگونگی پیشبرد هدفی را که باید به آن برسند، برنامه ریزی کنند تا بتوانند به خواسته های خود جامعه عمل ببوشانند، در صورتیکه دولت فعلی این اصل را از میان برداشته و حتی "وزارت پلان" را نیز از تشکیل حکومت بیرون کشیدند، بنا بر این جهت نظم اقتصادی اجتماعی سیاسی و نظامی پلان دقیق کاری جهت رشد عرصه های مختلف زندگی طرح نشد، و نه اکنون ضرورت آن وجود داشت که به خارجیان تضرع نمایند، نباید فکر کنیم که این همه یک تصادف بوده و تقصیر را بدوش یک شخص و یا رئیس جمهوری انداخت، بلکه سنگ تهداب واقعی این همه بی سر و سامانی ها و ترس و ارباب از همان روز اول تشکیل این دولت دست نشانده بنیاد نهاده شد، یعنی زمانیکه خارجیان منحیت بنیان گذاران این سیستم، تداوم حضور خود را در تشنج و بی ثباتی اوضاع در افغانستان دیدند، آنها هیچگاهی هم مطابق یک ستراتیژی معین و پلان شده که پایه های حاکمیت دولتی را استحکام بخشد؛ عمل نکردند، با ایجاد شرکت های امنیتی خصوصی جوانان را جهت جاسوسی به نفع خویش استخدام و پلانهای محرمانه خود را در همه عرصه ها به پیش بردند، به گفته آقای کرزی "دولت موازی با دولت را ایجاد کردند"، و از عدم تجربه دولت داری آقای کرزی و خصوصیت مصلحت جویی شان استفاده سوء نمودند، نه سپردن کار به اهل کار و شایسته، قرارداد های خود سرانه خارجیان با افراد و اشخاص در ایجاد سیستم مافیایی رول اساسی را بازی کرد، باید معترف بود که تیم حاکم هیچگاهی نتوانست پایه و اساس یک حکومتداری متکی به اصل قانون و قانونیت را بنیاد بگذارد، و ابتکار عمل از خارجیان را بدست گیرد، بدون شک خارجیان منحیت مشاورین در سیستم دولتی بامعامله گری ها با زورمندان جهت تحقق اهداف شان نقش داشته اند، از این روست که امروز خارجیان افغان ها را گروگان گرفته تا در هر صورت باید از منافع خارجیان حمایت کنند، و به کمک های آنها متکی باشند و از آینده بدون خارجیان حراس داشته باشند، اکنون که دوازده سال از حکومت داری آقای کرزی می گذرد نسبت نداشتن ذخایر انرژی، ذخایر مواد غذایی، نداشتن یک اداره عاری از فساد، یک ارگان امنیت ملی کارا و یک اردوی نظامی کار آزموده و مجهز به سلاح های لازم و مورد ضرورت که زمینه اعتماد مردم را بالای ارگان های نظامی و دولتی تقویت بخشد، به مشکل مواجه هستند. همان گونه که افغانستان قبرستان ابرقدرت هاست، قبرستان تجارب ناکامی ها هم است، اکنون زمان آن رسیده که باز تجارب ناکام سابق را تکرار نکرده همدست و یک پارچه در مورد تأمین امنیت در کشور و قطع عملیات شبانه، قطع هرنوع مداخله خارجیان و آمدن صلح به کشور، از موقف اصولی و درست آقای کرزی دفاع نمایم، باید هوشیار

د پاپو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

بود که کاسه ای زیر نیم کاسه نباشد و این یک بازی دیگر از بازی های خارجیانی که در این دوازده سال افغانستان را صاحب هیچ دستاورد نکرد، باشد، موجودیت قوای خارجی در افغانستان باید نیازهای افغان ها را که همانا صلح و امنیت است و بدون شک در دست امریکا قرار دارد، برآورده سازد، در غیر آن صورت ضرورت و نیاز نیست که در این ملک آزاده، خارجیانی حضور داشته باشند.

زمانیکه که مسئله حضور قوای خارجی مطرح میشود، سؤال پیش می آید که آیا افغانستان دیگر یک کشور بیطرف است؟ البته که با امضای این پیمان امنیتی افغانستان یک کشور بیطرف مانده نمی تواند، در این صورت افغانستان قربان منافع امریکا و ناتو است، اگر ما به این فکر باشیم که امریکا بخاطر منافع ما در افغانستان حضور دارد و یا بخاطر ما فرزندان شان را قربانی داده اند، و یا پول مصرف کرده اند، این یک خیال پوچ است، امریکا در منطقه منافع دارد و به خاطر همین منافع در افغانستان حضور دارد زمانیکه منافع اش تأمین گردد بی درنگ افغانستان را ترک میکند و در غم ما نیست، پس زمانیکه امریکا بخاطر منافع خود فعالیت میکند دور از امکان نیست که کمپلکس فی ما بین امریکا و کشورهای منطقه به وجود نیاید و افغانستان در معرض خطر نظامی و یا مداخلات همسایگان قرار نگیرد، وقتی ما چنین خطر را می پذیریم باید در مورد دستاورد و منافع خود هم مصمم و هوشیارانه برخورد کنیم و جانب مقابل هم باید به منافع ما متعهد باشد.

اهداف خارجیانی از این سروصداها:

با تأسف نزد یکدهه از افغان ها اصلاً مطرح نیست که منافع ملی شان تأمین میشود، یا نه می شود، فقد در فکر امضای قرارداد امنیتی اند و بس، منافع کشور ما در اتحاد و یکپارچگی و صلح نهفته است اگر صلح در افغانستان و به نفع افغانستان به وجود نیاید هیچگاهی هم منافع افغانستان تأمین شده نمی تواند، تبلیغات به نفع خارجیانی و خویشن را متکی ساختن به خارجیانی منافع ملی را تضمین نمی کند، بلکه منافع ملی افغانستان ایجاب می کند که بیشتر از هر وقت دیگر یک دست و یکپارچه و متحد باشیم تا از منافع ملی خود حراست کرده بتوانیم، این بدان معنی نیست که ما باید از خارجیانی کاملاً بپریم بلکه روابط با خارجیانی مستلزم احترام متقابل به ارزش های یک دیگر است، نه یکجانبه گرائی استعماری و زورگویی، اظهارات ضد و نقیض مقامات امریکا در خصوص امضای قرارداد امنیتی جداً قابل غور و مذاقه است، در اینجا بعضی از این نظریات را قرار ذیل برمی شمارم:

۱۲ جولای ۲۰۱۳

سناتور مهم حزب دیموکرات و رئیس کمیته امور نظامی مجلس سنای امریکا "کارل لیفین" دیروز بر این موضوع تنقید کرد که اداره رئیس جمهور اوباما اصرار می ورزد این قرارداد امنیتی قبل از پایان سال ۲۰۱۳ به امضاء برسد، او پیشنهاد کرد که واشینگتن صبر کند تا انتخابات افغانستان در بهار سال آینده برگزار شود و یک رهبر قابل اعتماد به قدرت برسد و این قرارداد را امضاء کند.

۱۰ قوس ۱۳۹۲

"هینس فیلد من" سخنگوی آیساف در افغانستان:

«ما می خواهیم که در سال های آینده منحصت جامعه جهانی در افغانستان باقی بمانیم و این هیچ معنی نخواهد داشت که کشورها به طور انفرادی از این کشور خارج شوند.

پس ما به عنوان جامعه جهانی خواهان باقی ماندن در این کشور هستیم تا کار خود را تکمیل کنیم.

این خواست ما است و امیدواریم تا توافقنامه امنیتی با امریکا هر چه زودتر امضاء شود.»

"فیلد من" می افزاید اگر توافقنامه امنیتی و دفاعی بین کابل و واشینگتن به امضاء برسد، سازمان ناتو هم بخاطر چگونگی حضور سربازانش در افغانستان توافقنامه ای را با حکومت افغانستان امضاء خواهد کرد.

۲۰ قوس ۱۳۹۲

"جاش ایرنست"، معاون سخنگوی قصر سفید و جنرال مارتن دمپسی، لوی درستیز قوای مسلح ایالات متحده امریکا، با آنکه لوی درستیز قوای مسلح ایالات متحده از تأثیرات منفی عدم امضای توافقنامه امنیتی صحبت نموده بر امضای فوری آن تأکید کرد، قصر سفید از امضای آن تا اوایل ماه جنوری سال آینده صحبت میکند.

۱۳ قوس ۱۳۹۲

"جان کری" وزیر خارجه امریکا می گوید: «ما در مورد این پیمان صحبت کردیم، من شخصاً در مورد تکمیل شدن این موافقتنامه صحبت کردم و به یک نتیجه رسیدیم. رئیس جمهور کرزی به این پیمان توافق کرد و گفت آن را به

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنی د لېکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

لویه جرگه می سپارد و اگر جرگه از آن حمایت کرد آنها هم از آن حمایت می کنند، من فکر نمی کنم بار دیگر به شکل یک جانبه روی این پیمان صحبت شود»، جان کری بار دیگر تأکید کرد که خیلی مهم است که این پیمان هر چه زودتر امضاء شود زیرا به منفعت افغانستان است.

۳ دسمبر ۲۰۱۳

"آقای راسموسن" گفته است که امضای توافقنامه دو جانبه امنیتی، شرط ضروری برای حضور نیرو های بین المللی در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ است، "آنرس فو راسموسن"، منشی عمومی ناتو گفت که این سازمان ضرب الاجلی برای امضای توافقنامه امنیتی افغانستان و امریکا مشخص نکرده است.

۶ دسمبر ۲۰۱۳

"جیمز دابینز" نماینده خاص امریکا در امور افغانستان و پاکستان گفته است که گفت و گو هایش با حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان در مورد امضای موافقتنامه امنیتی به جایی نرسیده است.

آنگونه که "وحید پیکان" گزارشگر بی بی سی در کابل می گوید، آقای دابینز پس از دیدارش با حامد کرزی گفته امریکا برای از سرگیری گفت و گو ها تلاش می کند اما نمی تواند تضمینی به دولت افغانستان بدهد.

۶ دسمبر ۲۰۱۳

"آقای چاک هیگل" در بحرین گفت، با وجود "گشایش در روابط با ایران"، امریکا قصد ندارد که حضور نظامی قوی خود را در خلیج فارس کم رنگ کند، "آقای چاک هیگل"، وزیر دفاع امریکا، که در افغانستان به سر می برد، گفته است که همتای افغانش به او اطمینان داده است که توافقنامه امنیتی ای که به نیروهای اردوی امریکا اجازه می دهد پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان بمانند، امضاء خواهد شد.

امریکا می خواهد که تا پایان سال جاری میلادی، این توافقنامه امضاء شود ولی حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان، امضای این توافقنامه را مشروط به دو شرط کرده است.

۱۸ قوس ۱۳۹۲

"آقای چک هیگل": «خروج عساکر امریکایی از افغانستان یک احتمال واقعی است».

وزیر دفاع امریکا هشدار داده است که اگر رئیس جمهور کرزی موافقتنامه امنیتی و دفاعی کابل و واشینگتن را امضاء نکند، خروج تمام نیرو های امریکایی در ختم سال ۲۰۱۴ از افغانستان یک احتمال بسیار واقعی است.

۱۶ دسمبر ۲۰۱۳

"آقای کری" در گفت و گو با تلویزیون ان بی سی امریکا گفته است: «اگر نیروهای خارجی افغانستان را ترک کنند، نیروهای افغان با چالش های جدی مواجه خواهند شد.

جان کری وزیر خارجه امریکا می گوید این امکان نیز وجود دارد که موافقتنامه امنیتی میان کابل و واشینگتن با رئیس جمهور آینده افغانستان امضاء شود.

کری می افزاید که برای امضای این موافقتنامه ضرب الاجلی تعیین نشده است.

این همه سراسیمگی و تلاش ها و اخطارها و دوباره عقب نشینی ها از موضع اولی؛ نشان دهنده سه هدف است:

■ ۱- اوضاع و احوال بین المللی وضعیت در سوریه و ناکامی امریکا در آن ساحه، مناسبات دوباره امریکا به ایران و برداشتن یک سلسله از تحریم ها، اوضاع پیش آمده در "اوکراین" و اشتیاق فوق العاده اروپا و امریکا جهت پیوستن "اوکراین" به اروپا جهت کوتاه ساختن دست روسیه از این کشور، توسعه ساحه کنترل جدید فضائی چین در نزدیک جزایر "اوکیناوا" جاپان، نشان دهنده یک جنگ سرد دیگر که در حال شکل گرفتن است، و امریکا می خواهد آنرا از چار راه جیوستراتیژیک افغانستان تحت مراقبت قرار دهد، این وضع در هم و بر هم سیاسی جهانی و هم وابستگی بیشتر امریکا به انرژی بیرونی ایجاب می نماید که امریکا بخاطر حفظ منافع ستراتیژیک خود که در آسیا و شرق آسیا دارد به کشور دارای موقعیت جیوستراتیژیک و غنی از منرال و مواد معدنی سرشار به ارزش تریلیون ها دالر چون افغانستان که همخوان با این ستراتیژی است نیاز دارد.

■ ۲- باوجودکه مرکز تروریسم معلوم است ولی امریکا به بهانه تروریسم مصروف سرکوب پشتون ها در مناطق پشتون نشین میباشد به این ترتیب میخواهد که پشتون ها را وادار کند که از موجودیت پایگاه های امریکا در افغانستان حمایت کنند، اگر چه طالبان از پشتون ها نمایندگی کرده نمی توانند اما سرباز گیری طالبان بیشتر از مناطق پشتون نشین صورت می گیرد که همین امر باعث شده تا امریکا در پی سازش با طالبان باشد که این

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

موضوع مورد پسند آقای کرزی نیست، بدین ترتیب یا آقای کرزی باید به این خواست امریکا تسلیم شود و به این سازش تن در دهد و یا با انتخاب (صفر) در برابر طالبان بدون هر نوع کمک رها می شود.

■ ۳- این احتمال را نیز نباید از نظر انداخت که امریکا و اروپا با داشتن وضع اقتصادی در هم و برهم و ناامیدی از پیروزی در جنگ افغانستان تصمیم خروج کامل از این حوزه را داشته باشند چنانچه آقای "دیوید کامرون" صدراعظم برتانیه گفت که «مأموریت نیروهای این کشور در افغانستان "با موفقیت انجام شده" و اکنون، زمان بازگشتن آنها به خانه است، آقای کامرون این سخنان را روز ۱۶ دسامبر در جریان بازدید از پایگاه نظامی نیروهای برتانوی در هلمند افغانستان بر زبان آورده است» بناءً گفته می توانیم که این همه سر و صدا ها جزء یک بازی می تواند باشد تا به خروج آبرومندانانه زمینه را فراهم کند و این کار در یک سازش با طالبان میسر است البته این امر اهداف مرموزی را در بطن دارد که فعلاً افشای آن به آقای کرزی و امریکا دشوار است.

گفته های تاریخ ۱۶ دسمبر آقای "جان کری" که گفتند «این امکان نیز وجود دارد که موافقتنامه امنیتی میان کابل و واشینگتن با رئیس جمهور آینده افغانستان امضاء شود» این پرسش را مطرح میکند که اگر امریکا بخواهد این موافقتنامه را با رئیس جمهور آینده امضاء کند در این صورت آیا آقای کرزی به خواست خود رسیده است؟ و عکس العمل آقای کرزی در این مورد چه خواهد بود؟

بگذار منتظر بود که عکس العمل آقای کرزی در زمینه روشن شود تا بتوانیم با استنتاج خوب از آن، جهت روشن شدن اذهان عامه داشته باشیم. به نظر من هر نوع نظر فعلاً قبل از وقت خواهد بود هر چند می توان احتمالات را پیش بینی کرد.

به تعویق انداختن انتخابات:

دوره کار آقای کرزی بعد از چند ماه به پایان می رسد و آقای کرزی هیچ امکان و چانس دوباره را نظر به قانون اساسی افغانستان ندارد پس یک امکان وجود دارد که اوضاع امنیتی را مختل و متشنج سازند و به این ترتیب دوره کاری خویش را تمدید نمایند، یک عده مفتخواران که در پهلوی آقای کرزی قرار دارند و تداوم قدرت خود را صرف در وجود آقای کرزی می بینند در ولسی جرگه و مشرانو جرگه این پیشنهاد را مطرح می کنند که گویا اوضاع امنیتی خراب است انتخابات مشکلات دارد باید دوره کاری آقای کرزی برای یک دور دیگر تمدید گردد.

همه ملت باید بداند اگر به هرنام این انتخابات به تعویق انداخته می شود جز خیانت بزرگ در حق ملت و اکثریت خاموش و مظلوم این کشور چیز دیگر نخواهد بود، این ملت هیچگاهی هم روی صلح و آرامش را نخواهد دید، زیرا این شیوه به یک رسم و رواج و فرهنگ تبدیل خواهد شد و مافیای و جنگسالاران و حاکمان قدرت جهت تداوم قدرت خود بنام خرابی اوضاع سیاسی، نظامی یا اقتصادی و یا دهها بهانه دیگر در کشور سوء استفاده خواهند کرد و هیچ گاهی هم دولت منتخب و دلخواه ملت روی کار نخواهد آمد، این دستگاه فاسد که در طول این دوازده سال جز در خدمت مافیای و چند جنگسالار بود همه هستی ملت را به تاراج بردند و هیچ کار ارزشمند را انجام ندادند که خیر ملک و ملت در آن نهفته باشد و امید به شکوفائی اقتصاد کشور وجود داشته باشد، بناءً یک تعویض کلی از بالا تا پایین در ساختار دستگاه فعلی دولتی ضرورت عاجل و مبرم پنداشته می شود که باید رخ دهد.

هر نوع انتخابات حتی اگر در چند حوزه انتخاباتی باشد باز هم دیموکرات و مردمی تر است؛ از تداوم مفتنانه و غیر قانونی حاکمان امروزی قدرت، شرم آور است که این مفسدین با وقاحت و چشم سفیدی از تمدید دوره کاری حرف می زنند فکر می کنند که نور چشم مردم اند. هر نوع طرح به تعویق انداختن انتخابات به این مفهوم خواهد بود که مسئله به تعویق انداختن امضای توافقنامه امنیتی آقای کرزی با امریکا یک خواست برحق ملی نه، بلکه یک توطئه علیه ملت جهت تداوم قدرت جنگسالاران، مفسدین و مافیای اقتصادی در کشور است.

انکشاف اوضاع و طالبان:

قسمی که در فوق تذکار بعمل آمد برخورد بی تفاوت امریکا با پاکستان در مورد مهار کردن گروپ های مسلح که از طریق سرحدات آنکشور وارد افغانستان می شوند، این نگرانی را به بار می آورد که این برخورد بعد از امضای قرارداد امنیتی با واشینگتن چگونه خواهد بود!!

اگر زمامداران واقعاً نتوانند امریکا و ناتو را وادار به این سازند که از نفوذ خویش بالای پاکستان به هر شکلی که باشد استفاده کند و زمینه گفت و گوی موثر و عملی را با طالبان آماده کند و در این امر گام های صادقانه بردارد که تاحال

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

چنین کار را نکرده و در آینده هم تصور آن چندان متصور نیست. پافشاری روی امضای این قرارداد امنیتی یک عمل بیهوده خواهد بود، اگر کمی دقت کنیم آیا امریکا تا چند سال می تواند به اردو و پولیس افغانستان کمک کند؟ با در نظر داشت وضع اقتصادی در امریکا و ذهنیت عامه آنکشور در مورد جنگ افغانستان، بدون شک این کمک ها به اردو و پولیس افغانستان تا مدت زیادی دوام نخواهد کرد، همان طور که امریکا قبلاً هم تعهدات خود را نقض کرده است این بار هم نقض کرده می توانند، چنانچه برخلاف تعهد به ارزش ۷ بلیون دالر تجهیزات نظامی خویش را در افغانستان نابود کرده و هنوز هم نابود می کنند ولی به اردو نوپای افغان که خود بنیانگذار آن اند نسپردند، امریکا ناگزیر است جهت برآمدن از باطلاق افغانستان راه ابرومندانه ای را جست و جو کند قسمی که در فوق نیز تذکره عمل آمد، و آن ایجاد رابط با طالبان است هر چند رابطه مخفی بین شان وجود دارد، اگر تصمیم بر آن شود که امریکا مناطقی را در اختیار طالبان قرار دهد و در افغانستان دو دولت یکی امارت اسلامی و دیگر جمهوری اسلامی به وجود آید، و امریکا هم پایگاه های خود را جهت پیشبرد اهداف خویش در منطقه حفظ کند، تصور این است که طالبان این موضوع را قبول کرده نمی توانند زیرا آنها هم دست نشانده امریکا بشمار می آیند که با حکومت دست نشانده آقای کرزی فرق نخواهد کرد، و این موضوع مخالف موقف فعلی طالبان است، ثانیاً طالبان خاستار خروج کامل قوای خارجی اند که تسلط بر قسمتی از خاک افغانستان که عملاً به مفهوم تجزیه افغانستان خواهد بود و درد افغان ها را دوا نمی کند، ولی دور از احتمال هم نیست که طالبان زیر فشار پاکستان سازش غیر قابل تصور را با امریکا بپذیرند، و امکان دارد که بالای آقای کرزی هم از طرف امریکا فشار بلمثل وجود داشته باشد، اما راه معقول جهت تأمین صلح سراسری در کشور که برای امریکا هم ابرومند است و خروج از باطلاق افغانستان باشد همانا فشار واقع بالای پاکستان است تا از مداخله در امور افغانستان دست بر دارد و طالبان را به مذاکره جهت ایجاد یک "دولت فراگیر" وادار سازد.

پایان

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ